

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام  
9 سپتمبر 2008

## احمد شاه مسعود، حسن شرق و بروس ریچاردسن

### نگاهی به گزارشها و تحقیقات در مورد یکی از قوماندان های جهادی

یکی از مشکلاتی که جامعه امروز افغانی چه در داخل مملکت و چه بیرون سرحدات آن با آن روبرو میباشد، تحریف و تغییر وقایع و حوادثی است که درین سه دهه جنگ، بربادی بنیادی مملکت و اوضاع رقت بار مردم ما رونما گردیده است. واقعیت امر اینست که هر حادثه و رویدادی که در يك جامعه رخ میدهد ، به شمول جریانات اجتماعی مملکت ، بهر شکلی که واقع گردد، در مجموع تاریخ همان سرزمین را میسازد. بنابراین، بدون هیچ تردید و شکی چه بخواهیم و چه نخواهیم، تاریخ همیشه عبارت است از بیان حقایقی که در يك محدوده جغرافیایی که دارای يك تشکیل سیاسی است، رخ داده و به وقوع پیوسته است.

با وجود امکانات تکنالوژی جدید که در هر منزلی موجود است که به اساس آن حقایق مستند و قابل قبول در هر موضوع و مسأله ای در يك چشم بهم زدن جهانی میگردد، باز هم دیده میشود که هستند گروه ها و افرادی که آفتاب جهان تاب را با دو انگشت پوشانیده و وقایع میرهن تاریخی سه دهه پر آشوب اخیر را تحریف مینمایند و با وقاحت حتی بر حافظه شاهدان عینی، قلم و کمره ژورنالستان، عکاسان، نویسندگان ، مؤرخین و حتی آن نمایندگان و مامورین اجنبی که خاطرات عصر و زمان خویش را مستند و مشروح بیان داشته اند، خط بطلان کشیده و با حلوا حلوا گفتن، دهان شیرین مینمایند.

یکی از معضلات سردرگمی که برای ملت افغان سؤال تاریخ و جریانات واقعی مملکت از دوران اشغال افغانستان از عصر حکومت فروخته شده وطن فروشان خلق و پرچم تا به امروز میباشد، همانا شخصیت در غبار پوشیده و گنگ یکی از قوماندان های جهادی بنام "احمد شاه مسعود" است. اینکه چرا دربین رهبران تنظیمی این شخصیت تاریخی از يك سو پر آوازه ترین و غوغا برانگیز ترین و مطرح ترین آنان بوده است و از جانب دیگر، با روابطی که با ممالک مهم آنزمان، منجمله اتحاد شوروی وقت و قوای اشغالگر آن برقرار نمود، داستان تحقیقات، مطالعات، چشمبدها، خاطرات مامورین خارجی ذیعلاقه و اوراق قراردادهای بصورت روزافزون، علی الخصوص درین عصر حیرت آور تکنالوژی مدرن، وی را به مرد هزار چهره ای مبدل نموده است که هر روز کتابی و رساله ای و مضمونی به السنه مختلفه در مورد او و روابطش با دستگاههای استخباراتی گوناگون، به نشر میرسد.

در رابطه به این مباحثه دیده میشود که قلم بدستانی هم در خارج از افغانستان بطور مداوم ولی بدون استناد و دلایل قناعت بخش در شناخت این شخصیت آشنا، به مغالطه و کتمان حقایق تاریخی در مورد وی میپردازند، غافل ازینکه این روش سبب میگردد که خواننده در جست و جوی هرچه بیشتر حقایق که سؤال تاریخ مملکت شمرده میشود تا آن سر دنیا به دنبال نشرات مستند، کتب و رساله های رسمی از منابع معتبر و آرشیف هائی مانند کی. جی. بی. و سی. آی. ای. و ام ۱۶ و امثالهم بروند ... سال های متمادی است که اشخاصی مانند آقای قوی کوشان، مدیر جریده "امید" ، آقای نعیم کبیر، آقای سعید فیضی، آقای سالار عزیزپور و تعدادی دیگر در داخل از جمله، آقای رهنورد زریاب و همکاران انانث و ذکور ایشان در يك تپ و تلاش مذبحانه و بی حاصل در تحریف تاریخ و واقعیت های آن در مجادله اند. اینان در واقع با کتمان حقیقت و تحریف آنچه را تاریخ ساخته است ، راهی را می پیمایند که به ترکستان منتهی میگردد.

یکی از اشتباهات بزرگی که در قسمت شناخت و کارروایی های احمد شاه مسعود از جانب هواخواهان سر به هوا و اغماض گر وی صورت میگردد، همانا مبالغه در مورد شخصیت و کارنامه های جهادی وی است که کاملاً نقیض آنچه را اسناد تاریخی، شاهدان عینی، راپورهای آرشیف های معتبر بین المللی و قلم بدستان داخلی ارائه مینمایند، عرضه

میکند. در حقیقت همین هوا خواهان غیر مسئول مسعود هستند که بی دریغ و بی جهت وی را به غیر آنچه بوده، مطرح میسازند و به ذهن ها انداخته و موجب کنجکاو و مطالعات بیشتر در احوال وی میگردند. از آن جمله مدیر جریده «امید» بارها با ذکر القاب اولیاء و پیغمبران، مقام های مذهبی محیر العقولی را به قوماندان مذکور نسبت داده و بروی قالیچه ای ویرا در حال پرواز به جانب بهشت تمثیل نموده است. همچنانکه آقای حامد علمی در عالم رؤیا به بهشت مسافرت نموده و قوماندان مذکور را در طبقه بالاترین فردوس **بر روی تختی از زمرد** «!!!!!!» ملاقات مینماید. اینکه این هوا خواهان افراطی قهرمان رویایی خویش را که قوماندانی بوده است از جبهه پنجشیر چرا در انظار و اذهان اینگونه ترسیم نموده و تاریخچه آشکارای حیات وی را از همان آغاز فعالیت وی به همراهی حکمتیار طور دیگری به تصویر میکشند، باز هم به مقوله "دشمن دانا و دوست نادان" باید باور کرد.

این گروه یا بسیار شست و شوی مغزی گردیده اند که حتی علی الرغم اثبات صدها اثر و رساله و چشم دید شاهدان عینی به شمول يك تعداد زیادی از بین خود آنها، از زندگی احمد شاه مسعود تاریخی ساخته اند که خود هم آنرا باور نمی نمایند، و یا اینکه مردم با هوش و بیدار افغان را دست کم گرفته اند. مبالغه و اغراقی که درین زمینه ارائه میگردد، باعث تتبع، تحقیق و مطالعات بیشتر در کشف و انتشار اسناد، مدارک و آثار بیشتر محققین و نویسندگان داخلی و خارجی در زمینه میگردد و این بیت پر معنی را به وضاحت در اذهان زنده میسازد:

## دشمن دانا بلندت می برد بر زمینت میزند نادان دوست

باری این گروه بعد از گذشت هفت سال، هنوز هم با قطعیت به این استناد پا فشاری مینمایند که مسعود در اثر انفجار کمره عکاس عرب به قتل رسیده است. باور اینان برای تحریف حقایق «بهر دلیلی که هست» آنقدر افراطی میباشد که حتی جریان مصاحبه محترم مسعود خلیلی (۱) را با خبر نگار فرانسوی که نامبرده در عین اتاقی با احمد شاه مسعود حضور داشت که انفجار تصویر کمره سالم عکاس عرب، کاملاً انکار نموده و هیچ تبصره و برداشتی ازین افشاگری تاریخی مینمایند. مگر چرا؟ اینرا باید از خود شان پرسید. چرا جریده معلوم الحال «امید» و بقیه امیدیان در زمینه چنین جریان مهمی «هیچ» نوشتند، شاید آمران شان صلاح را در اغماض دانستند !!

روز گذشته نطق تلوزیون آریانای کابل در اخبار پشتو ضمن یاد آوری از هفتمین سال کشته شدن احمد شاه مسعود، یاد آور گردید که نامبرده در اثر انفجار «ا!» کمره عکاس عرب به قتل رسید. وقتی يك تلویزیون با سویه با اینهمه بیننده و با داشتن عده زیادی خبرنگار و دسترس به مید یای وسیع جهانی از ویدیوی مستند محترم مسعود خلیلی و مصاحبه روشن وی با خبر نگار فرانسوی در نحوه و چگونگی مرگ يك شخصیت "تاریخی" مثل مسعود از اغماض کار بگیرد، باید طرفداران وی دائم بر چشم حقایق خاك پاشی نمایند!!

دیروز نطق صدای امریکا محترمه شایسته سعادت مصاحبه ای با خبرنگاری با تخلص بریالی در کابل داشت که خبرنگار مذکور گویا توصیه مینمود که نسل امروز افغانستان «باید» از کارروائی های احمد شاه مسعود بیاموزد و روش وی را در زندگی پیشه «؟» نماید و.... بالاخره نطق پرسید که آیا از شهدای دیگری هم در افغانستان تقدیر به عمل می آید که باید بیاید؟! خبرنگار نمیداند که نسل امروز افغان با منابع معتبر امروزی، حقایق را شفاف تر از وی می بیند. تلوزیون ملی که در حقیقت تلوزیون دولتی افغانستان محسوب میگردد، به دفعات و به کرات اشخاصی را در پشت میکروفون می آورد که در مدح و ثنای قوماندان مسعود بگویند.

ولی و اما چه دلیلی موجود خواهد بود که هوا خواهان وی و طرفداران سرسپرده مسعود حتی همان سایت های انترنتی و جرائد و مجلات فراوانی که متعلق به شورای نظار و پرچم میباشند، هرگز و هیچگاهی قلم در دست نگرفته اند و از قوماندان و هیرو و قهرمان خویش به دفاع منطقی ورد اینهمه گزارشها به شمول قرارداد ها و راپورهای معتبر از منابع داخلی و خارجی برنخاسته اند. آیا چنین سکوتی در حقیقت علامه رضا نیست؟؟؟ آیا هیچ قلمی نتوانسته آنچه را مثلاً بروس ریچاردسن، خبرنگار خبره و افغانستان شناس ورزیده امریکایی که از ابتدای تجاوز شوروی تا الان مشغول ریسرچ و تتبع و نشر مقالات و کتب فراوان در اوضاع افغانستان میباشد، منتشر نموده با دلیل و برهان رد نماید؟

بروس ریچاردسن در صفحه ۱۰۳ کتاب جدید خود بنام **افغانستان، در جست و جوی حقیقت** (۲) چنین مینویسد: "به تعقیب موافقت نامه ۱۹۸۲ با شوروی، احمد شاه مسعود يك مکتوب صادر نموده و به تمام زبردستان خود دستور داد که خبر قوماندان هایی را که از داخل گروهشان به طبق مرام وی نبوده و آرزو داشتند که به دشمن حمله نمایند، غرض مجازات به اطلاع روس ها برسانند. این مکتوب به دست حزب اسلامی افتاده و در اخبارهای پشاور به نشر رسید."

گزارش ها و خاطرات ستیو کول (۳) آمر «سی آی ا» در اسلام آباد را که مدت درازی در منطقه مشغول فعالیت بود و شما میتوانید ترجمه مقدمه کتاب «**جنگ های ارواح**» ویرا در صفحات همین پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به دقت مطالعه فرمائید، هم از جانب هوا خواهان مسعود مورد رد و استناد و بررسی منطقی قرار نگرفته است. البته يك نوع ترجمه ناقص این کتاب که در آن اخلاق و امانت داری ترجمه کاملاً پامال گردیده، در کابل هم موجود است که بیشتر خوانندگان تشنه را به اصل کتاب مائل و متوجه میسازد.

چندی قبل مضمونی تحت عنوان «**آغاز و انجام حکومت انتقالی در افغانستان**» در يك تعداد از نشرات خارجی افغانی (۴) به قلم داکتر حسن شرق، عضو برجسته و مهرة فوق العاده مهم در دوره مرحوم محمد داوود و یکی از عاملین کودتای منحوس ثور در دوره سیاه و خونبار وطن فروشان خلق و پرچم، به نشر رسید. درین مضمون که جزئی از خاطرات نامبرده میباشد، به قسمتی از حوادث تاریخی و تصمیم گیری های پشت پرده اشاره میگردد که سرنوشت سازی و تغییرات زندگی مردم مظلوم افغانستان را با بازی های خطرناکی تا سرحد تجزیه خاك پاك ما، به وضاحت تشریح مینماید.

داکتر حسن شوق در قسمتی از یادداشت های خویش مینویسد که در دوران داکتر نجیب ، آخرین گماشته رژیم اشغالگر اتحاد شوروی سابق که وی آنرا دوره « انتقالی » مینامد، پوست صدارت را متقبل گردید. نامبرده بعد از تشریحاتی در باره اوضاع و تصمیمات پشت پرده شوروی و مقامات افغانی به اینجا میرسد که روس ها گویا با تجزیه افغانستان میخواستند ولایاتی را از پیکر مادر وطن جدا نموده و با نصب احمد شاه مسعود، یکی از قوماندانان شمال از جبهه پنجشیر با تحت الحمایگی شوروی، ایالت جدیدی را بمیان آورند. حتی قسمتی از طلاهای پشتوانه بانک مرکزی را برای ایالات جدا شده اختصاص داده و آثار تاریخی گنجینه باختر (طلا تپه) را که قدمت آن بیشتر از دو هزار سال میباشد و همین الان اعجاز و تحسین صد ها هزار بیننده را در موزیم واشنگتن بر انگیزده است، طور تحفه پیش کش اتحاد شوروی نمایند.

داکتر حسن شوق چنین مینویسد:

« ... از گفته های خلاف انتظار سفیر شوروی بر می آید که هنوز شوروی ها از حکومت انتقالی جهت باقی ماندن به قدرت توقع دارند تا زعامت احمد شاه مسعود را در قسمتی از ولایات شمال هندوکش به رسمیت بشناسند. چنانچه "ورانیکوف" مارشال قوای شوروی در کابل در يك گفتگوی رسمی در صدارت گفت احمد شاه مسعود در باره آشتی ملی و ختم جنگ میخواست در پنجشیر با شما « منظور داکتر شوق است - توضیح ازین قلم » ملاقات و مذاکره کند. تنظیم ملاقات با احمد شاه مسعود از جانب ورانیکوف آنهم در پنجشیر، بیگمان جز تحمیل خواسته گورباچف به واگذاری قسمتی از شمال هندو کش به احمد شاه مسعود، معنی و مفهوم دیگری در بر نداشت. بناءً از تن دادن به چنین سفری هر چه با باد طفره رفتم.

نتیجه گفتگو با مارشال آن شد تا معاونین رئیس جمهور برخلاف قانون اساسی و بدون اینکه صدارت را بگریان بگذارند، بوزارت خانه ها هدایت صادر کنند و ملیشه های تحت فرمان خاد امنیت نسبی راه های مواصلاتی و حمل و نقل مواد خوراکی را برهم زنند و مارشال ورانیکوف هم با استفاده از رهبران ستمی جناح پرچم مذاکره را در پنجشیر با احمد شاه مسعود جهت کردن خواهشات وی ادامه دهند.»

داکتر حسن شوق جای دیگری در خاطرات خویش مینویسد که گویا به خاطر همین خودسری ها و جنجال ها از مقام صدارت بصورت شفاهی استعفاء مینماید، وی چنین ادامه میدهد:

« متأسفانه هنوز دو هفته از استعفاء شفاهی منظور نشده نگذشته بود که با استفاده از تعلیق حکومت انتقالی، جنرال « گروموف » قوماندان اردوی نمبر چهل شوروی با جنرال شهنواز تتی، وزیر دفاع با داشتن فرمان داکتر نجیب الله جهت تمهیل هدایت گورباچف در بر آوردن خواسته های احمد شاه مسعود عازم پنجشیر می شوند.

آنچه که بعد ها افشا گردید نشان میدهد که در پنجشیر بعد از ملاقات و مذاکره به رسمی شدن معاهده خنجان موافقه میشود که ولایت بدخشان، تخار، کند ز، سالنگ شمالی و جنوبی جمع پنجشیر به حیث ایالت خود مختار تاجیکان تحت اداره احمد شاه مسعود گذاشته شود.

متقابلاً احمد شاه مسعود متضمن امنیت شاهراه سالنگ و حراست از قوای شوروی و سرکوبی مخالفین حکومت کابل در منطقه تحت فرمان خویش میشوند. معاهده را جنرال گروموف بحیث قوماندان اردوی شوروی در افغانستان و احمد شاه مسعود به صفت قهرمان جبهه پنجشیر به حضور داشت جنرال شهنواز تتی فرستاده و نماینده خاص رئیس جمهور امضاء و تبادل میکنند.

اما رسمی شدن و پیاده کردن معاهده ایجاب سقوط حکومت انتقالی و احیاء حکومتی را مینمود تا به اجرای این طرح آمادگی و سابقه داشته باشد. بناءً کشتنم را بحیث رئیس کمیته اجرائیه شورای وزیران مقرر می کنند و جنابشان قبل از اینکه از شورای ملی رای اعتماد بگیرد، خود مختاری ولایات شمال هندوکش را دوباره تصویب میکنند که خوشبختانه وکلای ولسی جرگه به تعبیر و تفسیر اینکه کشتنم رئیس کمیته اجرائیه شورای وزیران مقرر شده اند، نه صدر اعظم، از حضورشان در ولسی جرگه جهت اخذ رای اعتماد معذرت میخواهند.

بناءً قانونی شدن ولایت تاجیکان و ولایات شمال هندوکش و حکومت کشتنم پا در هوا می ماند و از قضا حکومت انتقالی از يك در داخل و بدون اینکه در انتقال قدرت موقع یافته باشد، از در دیگر خارج میشود.»

حال دیده میشود که هر سال خاطرات و مطالعات جدیدی در مورد حیات سیاسی و اجتماعی قوماندان احمد شاه مسعود به نشر میرسد که اکثر نقاط مشترك آنها را بهم پیوند میدهد. اما با موجودیت تشکیلی بنام "بنیاد مسعود" و پروگرام هایی بنام "مسعود شناسی" و اجتماعات داخلی و بیرون سرحدات که علی الرغم قحطی و گرسنگی و بیخانمانی در مملکت مبالغ هنگفتی را سالانه با برپا نمودن جشن های باشکوه برای یاد بود قوماندان مذکور به مصرف میرسانند، هیچ يك ازین تشکیلات و اجتماعات در مقام دفاع منطقی و ارائه اسناد و مدارکی که بتواند شمه ای ازین تحقیقات، راپور ها و چشم دید هارا رد و نفی نماید، موجود نمیشد.

اگر راپور شخص آگاهی مخیث شاهد عینی، چون محترم مسعود خلیلی و ویدیوی مستند وی حقیقت ندارد، پس چرا این علم برداران و هواخواهان اغماض گر به شمول آقای رهنورد زریاب که اوقات گرانبها و مصارف گزافی را با اروپا برگزیده خویش در تحقیق و مطالعات مسعود شناسی سپری مینماید، آقای کوشان که از علم برداران افراطی در بزرگداشت از احمد شاه مسعود میباشد، محترم ویس ناصری که تمنیات قلبی خویش را دائمی در ستایش قوماندان مذکور بیان نموده ولی هیچ نوع دفاع منطقی و معقولی از وی را عقیده ندارد و عده دیگری که در کلیفورنیای شمالی و دیگر نقاط پراکنده میباشند، هرگز و هیچگاهی در صدد رد اینهمه موضوعاتی که بیشمار صفحات کتب، مجلات، روزنامه ها « به شمول واشنگتن پوست » راپور های آرشیف های معتبر بین المللی منجمه سی آی ا و کی جی بی و سایت های بی انتهای انترنتی را احتواء مینماید، بر نمی آیند. باشد که روزی زنده باشیم و مشاهده نمایم که این اغماض

گران افراطی "سر به هوا دل به تماشای" قدم مثبتی درین راه برداشته و خدمت صادقانه و شفافیت برای تاریخ و نسل امروز و فردای مملکت بنمایند.

\*\*\*\*\*

## نوت :

۱ - مضمون محترم حمید انوری تحت عنوان : « **نگاهی به آخرین روز مسعود** » چاپ "افغان جرمن آنلاین" به اضافه لینک "یوتیوب" که میتواند برای دیدن مصاحبه محترم مسعود خلیلی بر آن کلیک نمایید.

<http://www.youtube.com/watch?v=2TWP9Wo0LHM&mode=related&search>

۲ - کتاب جدید بروس ریچاردسن خبرنگار امریکایی و افغانستان شناس ورزیده، چاپ افغان رساله در کانادا بنام :

### AFGHANISTAN : A SEARCH FOR TRUTH

مضمون « **مردی که نمیخواهد بجنگد** » اثر مستند بروس ریچاردسن را با ترجمه محترم داکتر رحیم عزیز در همین پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان"، مطالعه فرمایید.

۳ - کتاب سٹیو کول آمر CIA در اسلام آباد بنام « **جنگ های ارواح** » ، ترجمه میرمن لیلی عنایت سراج. منتشره "پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"

۴- مضمون داکتر حسن شرق تحت عنوان « **آغاز و انجام حکومت انتقالی در افغانستان** » منتشره سایت دعوت و "افغان جرمن آنلاین"